



قانون نمی‌تواند بر کار حرام مأمور کند

آیت‌الله محمدجواد فاضل لنگرانی، مدرس حوزه علمیه قم، در دیدار جمعی از مبلغین اعزامی به مساجد و مراکز دینی مازندران در ماه مبارک رمضان خاطرنشان کرد: «همین قضیه‌ای که این روزها در یک درمانگاه اتفاق افتاده، اگر واقعاً آن طلبه مشغول فیلمبرداری شده باشد، که بعضی می‌گویند اینطور نبوده، عکس و فیلم گرفتن از کسی که منکر را انجام می‌دهد خود نیز منکر است. هم آن خانم که حجاب از سر برداشته مرتکب حرام شده و هم شما.» وی در ادامه تأکید کرد: «قانون هم نمی‌تواند شما را بر کار حرام مأمور کند، آن هم در این لباس که لباس پند و موعظه است. بلافاصله یک عاملی هم که آنجا نشسته این فیلم را در اختیار خبرگزاری‌های خارجی می‌گذارد تا در دنیا پخش شوند. این کار چه لطمه‌ای به روحانیت وارد می‌کند؟ این روحانی اینقدر توجه ندارد که محیط درمانگاه غیر از محیط خیابان است، فردی که مریض دارد و دچار بحران روحی است شرایطش با دیگران فرق دارد و ولو قبح بی‌حجاب بودنش کم نیست.»



سیاست‌گریزی و سیاست‌ستیزی

محمد رضا تاجیک، تحلیلگر سیاسی در یادداشتی با عنوان «سیاست؟ خیر، متشکرم!» در سایت «مشق‌نو» به عبور جامعه از سیاست می‌پردازد و به توضیح اینکه این روند «بعضاً تا مرز ضدیت هم پیش می‌رود» اشاره می‌کند و در این زمینه تصریح دارد: «این ضدیت تا حدی است که ممکن است همه چیز جایگزین سیاست شود. این سیاست‌گریزی یا شاید بهتر باشد بگوییم سیاست‌ستیزی، پیشینه تاریخی نیز دارد.» در ادامه او این مسئله را نخست در آلمان بررسی می‌کند و سپس به آراء متفکرانی ارجاع می‌دهد که هر یک شمه‌ای از گریز از سیاست را تصویر کرده‌اند. تاجیک سپس به سراغ ایران آمده و نوشته است: «انسان ایرانی امروز، به‌ویژه نسل جوان، از عالم خیال و عالم نمادین قدرت بیرون پریده، و قدرت حاکم نیز، قادر نیست با حضور در تخیل و توهم و آرزو و احساس و شناخت و نگاه و باور و تفکر و گفتن این نسل، آنان را به سوزه‌های منقاد خویش تبدیل کند. اما این «نه‌گویی» انسان ایرانی، نخست، به معنی «آری‌گویی» به سیاست از نوع و جنس دیگری است، دو دیگر، این «نه‌گویی» در محدوده‌ی سیاست متوقف نشده و نتایج پیمایش اخیر نگرش ایرانیان حکایت از آن دارد که بسیاری از ایرانیان به دین (دین حکومتی) هم می‌گویند: «نه، متشکرم.»



تحول در درون جریان اصولگرا

سید نظام‌الدین موسوی، دبیر شورای مرکزی ائتلاف مردمی نیروهای انقلاب در گفت‌وگو با ایسنا درباره انتخابات ۱۱ اسفند گفت: «مردم در این انتخابات گفتنشان را تغییر ندادند اما خواستار تحول در درون جریان اصولگرا بودند به همین دلیل به جریان انقلابی رای دادند.» وی در ادامه افزود: «تغییرات در ۱۱ اسفند در قالب گفتن تحولی رهبری رقم خورد که البته این تحول نه از جنس اصلاحات اپوزیسیونی و نه از جنس «نه» گفتن به نظام و حاکمیت بود بلکه اتفاقاً افرادی را انتخاب کردند که بیشتر به گفتن انقلابی و ارزشی تأکید داشتند به بیان دیگر مردم به چهره‌های جدید در چارچوب گفتن انقلاب رای دادند که شاهد تحول در جریان انقلاب بودیم.»

هم یک بار گفته بود آمریکایی‌ها به تحریم معتاد شده‌اند و تحریم را رها نمی‌کنند اما این نظر شخصی من است و ما مخالف رفع تحریم که نیستیم، ولی می‌خواهم بگویم که نگاه آمریکا این است و ترامپ یک روکش برای باطن سیاست خارجی آمریکا است. نکته‌ی بعدی این که واقعاً در دولت ۸ سال اول انقلاب، یعنی دهه ۶۰ دولت آقای روحانی، دولت آقای خاتمی واقعاً کار دست کسانی بود که تکنوکرات بودند، بوروکرات بودند، روشنفکر بودند...»

زیدآبادی: حزب‌اللهی‌های تکنوکرات...
آجرلو: نه حزب‌اللهی هم نبودند. الان مثلاً آقای آخوندی حزب‌اللهی است؟ نه نیست، من می‌خواهم بگویم اتفاقاً دولت دست همین دوستان بوده و حتماً کارهای خوبی هم کردند و حتماً هم در بخشی از وضع موجود مقصودند. [...] آقای دکتر مشکلات ما از دولت به دولت و از مجلس به مجلس منتقل می‌شود، حل نمی‌شود [...] اتفاقاً نکته این است که کار سیاست‌تصمیم‌گیری است. فرمایش ما درست است، باید به منبع سرمایه اجتماعی اتکا داشته‌باشیم و تصمیم درست بگیریم و از آن حمایت کنیم. اما واقعیت این است که تصمیم‌گرفته‌نمی‌شود. تصمیم از این دوره به آن دوره منتقل می‌شود و در حوزه‌های مختلف اینگونه است. در مورد رابطه‌ی سیاست‌خارجی با اقتصاد، من باز با عدد و رقم دارم عرض می‌کنم؛ روندها نشان می‌دهد نسبت به اوایل دهه ۹۰ و اواسط دهه ۹۰ مسئله‌ی مردم اگر سه تا سوال باشد، عدالت، سیاست خارجی یا همان تحریم‌ها و کارآمدی، الان کارآمدی بالاتر است، یک دوره‌ای سیاست خارجی بالا بود و یک دوره هم مسائل مبارزه با تبعیض و این‌ها، که آن‌ها هم هست، ولی میزان سیاست‌خارجی پایین آمده و کارآمدی دارد گفتن می‌شود. [...] در مورد راهکارها به نظرم می‌توانیم فرمایش آیت‌الله جوادی‌آملی را مبنا قرار دهیم و حرف خیلی درستی بود که مردم ایران بزرگ‌زاده‌اند و بزرگ‌اند و نوع رفتارهای آنان با آن‌ها باید از این جنس باشد، به نظر من این خیلی حرف دقیق و درستی است و اتفاقاً می‌خواهم بگویم که کرامت اجتماعی از درون فقه سیاسی شیعه بیرون می‌آید و جایش غرب نیست. [...] از درون آن باید جست‌وجو کنیم و یافته‌ها و عقل بشری را نمی‌توانیم کنار بگذاریم. بالاخره یک منبع هم در اجتهاد، عقل است. کرامت جمعی نیاز داریم، این کرامت جمعی در حوزه‌ی دولت باید به سمت بازتعریف سه‌گانه‌ی انرژی، انفال و پول برود. نظام بانکی باید اصلاح شود، انفال باید مردمی شود، مناقع‌اش باید در کار تولید بیاید و به نفع مردم باشد [...] در حوزه شبکه‌های اجتماعی که از خودبیگانگی برای انسان به وجود آوردند و انسان جدید خودخواه و منفعت‌طلب را تنها و با سبک زندگی جدید دارند تولید می‌کنند، ما نیاز داریم که رسانه‌های رسمی و محتوای روشنفکری را دوباره علیه زردنوس و سلب‌ریتی‌محوری و پوپولیست‌ها راه‌ها بیاندازیم. ما روشنفکران پوپولیست هم داریم که چیز خطرناکی است، یعنی کسانی که فکر می‌کنند باید حرف‌هایی بزنند که برای مردم شیرین است و حرف‌های تلخ را جرأت نمی‌کنند بزنند. به‌خاطر این که فالوئر دارند و دنبال لایک‌اند. در حوزه‌سیاست داخلی، فرمایش اخیر رهبری را باید دنبال کنیم. [...] پایه تحول جمهوریت و اسلامیت وابسته به انتخابات است که این خیلی جمله مهمی است و ما باید این را امتداد دهیم و سیاست داخلی‌مان را سامان دهیم. به نظر من باید به رقابت کلاسیک چپ و راست برگردیم. این را نیاز داریم برای اینکه جامعه را نمایندگی کنیم که از آن نفع ببریم. ممکن است عوارضی برای ما داشته باشد ولی حتماً جامعه را جلو می‌برد. در حوزه روشنفکری من فکر می‌کنم که روشنفکران ما باید به میدان بیایند و ما نیاز به نسل جدیدی از روشنفکران داریم که حتماً شیرین‌عبادی و نرگس محمدی نیست. روشنفکران ملی‌ای می‌خواهیم که دردها را بگویند، درمان را هم بگویند و نسبت به state دغدغه داشته‌باشند و بخشی از state باشند. نگاه قیام‌آبانه به جامعه نداشته‌باشند و جامعه را هم بیمار نبینند. چون روشنفکری ما عموماً جامعه را بیمار می‌بیند؛ و نکته آخر، در حوزه جهان بیرونی من در یک کلمه یا جمله بخواهم بگویم، حتماً آمریکا و اسرائیل از ۴۰ سال قبل ضعیف‌تر شده‌اند و حتماً ایده‌ی مقاومت قوی‌تر از ۲۰ سال و ۳۰ سال پیش است، گرچه اعتقاد دارم ما در سیاست خارجی‌مان باید به شدت منفعت‌گرا، واقع‌گرا و در عین حال، مبتنی بر ایده‌محوری باشیم، این هم چیزی است که باید اصلاح شود ولی فراموش نکنیم که فرق ایران با خیلی از state‌ها این است که به مفهوم واقعی کلمه دشمن دارد و دشمن اگر زورش به قدرت سخت نرسد روی دشمن اجتماعی می‌رود. پس مراقب باشیم خودمان این شکاف اجتماعی را تعمیق نکنیم چون خواسته‌ی طرف بیرونی است.

خحلی ممنون زحمت کشیدید...
زیدآبادی: فقط یک نکته را که من نگفتم، من فکر می‌کنم کشور ایران به‌عنوان یک چارچوب جغرافیایی - سیاسی، فی حد نفسه دشمنی ندارد، دشمن‌هایی برایش ایجاد شده که نتیجه‌ی برخی سیاست‌هاست یعنی ابتدا به ساکن آن‌ها اعلام دشمنی نکردند و این سمت بوده که اعلام دشمنی کرده و اگر این اعلام کند که دشمنی نداریم و راه گفت‌وگو باز شود، من فکر می‌کنم نه ایده‌ای برای تغییر رژیم هست و حداقل نخواهد بود و روابط می‌تواند خیلی عادی باشد. آجرلو: به نظر من غیرواقع‌گرایانه است، حالا یک موقع می‌توانیم صحبت کنیم.

الان سال هاست می‌گویند اختلاس‌گر و فلان است.

آجرلو: آن موضوع ربطی ندارد...
زیدآبادی: [...] حالا فرض کنیم لفظ خوبی نبوده ولی حالا اینکه یک سال زندان [...] وقتی الفاظ می‌تواند برای شما زندان بیآورد، یعنی اینکه شما نباید راحت حرف بزنید و باید مدام ملاحظه کنید و [...] اگر ما nation state هستیم، حقوق برابر تک تک افکار را باید به رسمیت بشناسیم، در این کشور بین مذهبی و غیر مذهبی، بین جنسیت‌ها و قومیت‌ها و صاحبان عقاید نباید تفاوتی باشد. در حالی که آقایانی مدعی‌اند که این کشور مال یک قشر خاص از مذهبی‌ها به نام حزب‌اللهی‌هاست. [...] این، باید به‌طور علنی و رسمی به رسمیت شناخته‌شود و براساس این هم سامان سیاسی بازتعریف شود، یعنی اینکه اگر قرار است مجلس، شورای شهر، ریاست‌جمهوری باشد که هست، همه‌ی اتباع کشور فارغ از علق و سلاطین سیاسی و اعتقادی بتوانند خودشان را در معرض رای عموم بگذارند. برای این باید احزاب آزادی شکل بگیرد که بتوانند فعالیت کنند و با هم رقابت کنند. این‌ها کارهاییست که زمان می‌برد [...] هزار بار گفتیم که تحمیل شرایط و احکام شرع شخصی بر افرادی که اعتقاد ندارند، آن‌ها را مخالف و خشمگین می‌کند. می‌گوییم این شرعی نیست می‌گویند قانون است، اولاً شما که اصرار دارید قانون‌تان مبتنی بر شرع است، بعد این چه قانونی است که اکثریت نمی‌پذیرند، اکثریت ممکن است نخواهند نقض‌اش کنند ولی به‌عنوان تحمیل نمی‌پذیرند. [...] نگاه به امر حکمرانی اشتباه است، نگاه به حکمرانی خوب مؤلفه‌هایش تعریف نشده و ماجرا به یک سلسله‌بحث‌های خیلی کوچک تقلیل پیدا کرده و همین‌هایی که در روزمره با آن در ارتباط هستیم، این‌ها مسائل ملی‌ماست؛ مثلاً صادق بوفی روی چه حساسی یک‌فقه‌انقدر مطرح می‌شود؟ مثلاً مسئله آب که فوق حیاتی است و می‌تواند کل تمدن ایران را به باد دهد، این غایب از بحث‌های عمومی‌ماست ولی اینکه فلان جا را بستند و چندتا خانم را احضار کردند و... مسئله اصلی کشور شده است. با این دیدگاه نمی‌شود. مگر اینکه ذهن آقایان به روی معرفت جدیدی باز بشود و دل‌شان برای این کشور بسوزد و ریل را در جهت اینکه ساختار سیاسی با بافت اجتماعی خودش را یک‌جوری تطبیق دهد، عوض کنند و این هم با کارهای کوچک نمی‌شود باید یک کار بزرگ و صدادر انجام شود که به همه‌ی مردم بگویند ببینید این‌جا امکان تغییر و تحول هست. [...] مثلاً پارسال که بحث عفو عمومی را مطرح کردند، تمام آدم‌هایی که یک مقداری شهرتی داشتند را استثنای کردند، بقیه را آزاد کردند ولی هیچ تأثیری نداشت چون مادامی که به اسم زندانی سیاسی زندانی داری، یعنی جزو کشورهایی هستی که آزادی بیان را به رسمیت نمی‌شناسی، مادامی که اینگونه باشد، کار حل نمی‌شود. البته حرف‌های ما را که نمی‌پذیرند ولی اگر شما هم واقعاً اعتقاد دارید که مشکلی هست [...] کوشش‌تان را صرف همان آدم‌هایی کنید که کم‌اند و پرسروصدا، اما صاحب نفوذند و جهت‌ها را تعیین می‌کنند و متأسفانه همه‌جا هستند. یک حریمی برای خود قائل‌اند، خیلی‌ها در دولت‌اند و خیلی‌ها هم اصلاً خارج‌اند. یک امام‌جمعه‌ای را می‌بینید برای خودش حق وتوی کل مصوبات را قائل است و می‌گوید اگر همه‌ی مسئولان هم در حوزه‌ی حجاب کوتاه بیایند ما کوتاه نمی‌آئیم. خوب تو چه‌کاره هستی که کوتاه نیایی؟ اصلاً به تو چه ربطی دارد؟ تو یک شهروندی و به اندازه‌ی خودت کار کن و بقیه را که تو نمی‌توانی تعیین تکلیف کنی. این، یک گسیختگی در دستگاه دولت هم هست. [...]»

آقای دکتر خدمت شما هستیم. بخش ایده و...
آجرلو: سه چهارتا نکته‌ی آقای دکتر را همراه با بخش ایده که سعی می‌کنم در همین بخش خلاصه بگویم. در مورد آزادی بیان، خود آقای زیدآبادی فکر می‌کنم چند وقت قبل یک صحبتی کردند و خیلی هم به ایشان نقد شد که الان وضعیت آزادی بیان خوب است. در مورد عفو عمومی هم به نظر من خیلی در فضای عمومی تأثیر داشت و کار بزرگی بود. با نگرش و تفسیر شما من یک مقدار مخالفم. در مورد برجام من سوالاتی کردم و جوابم را نگرفتم. به نظرم جمهوری اسلامی درست و خوب عمل کرد. اگر خاطراتان باشد رهبری یک صحبتی کردند که اگر آمریکایی‌ها درست به تعهدات خود عمل کردند، می‌شود در زمینه‌های بعدی هم گفت‌وگو کرد. یعنی اینکه ما اساساً چیزی را قابل مذاکره نمی‌دانیم و نمی‌خواهیم تفاهم بکنیم و نمی‌خواهیم تحریم‌ها را برداریم؛ این واقعاً وجود ندارد. ولی اعتقاد من این است که اساساً state هسته‌ی سخت قدرت در آمریکا، دنبال تغییر رژیم است و اساساً احساس می‌کند که با تحریم به هدفش نزدیک می‌شود و آن چیزی که آقای ظریف

باشیم و تعریف کنیم و بعد بگوییم که جناح‌ها می‌توانند با هم رقابت کنند اما اصل این نظام یک امر مقدس و خطاناپذیر و ثابت است، این را با هیچ مفهوم معقولی سازگار نمی‌بینم. شما نمی‌توانید دوتا جناح قائل باشید و بعد تمام ارگان‌های انتسابی را با عنوان بخشی از نظام که دارند کار درست را انجام می‌دهند تلقی کنید. اتفاقاً بعضی وقت‌ها کار نادرست را هم انجام می‌دهند و شما می‌توانید منتقد کل این سازوکارها باشید. آقای باهنر چند بار این حرف را زده و حرف بسیار نادرستی است که می‌گوید در دنیا هم اینطور نیست که اگر شما بخواهید آلت‌رناتیو نظام باشید، پوست‌تان را می‌کنند، یعنی چه؟ این چه حرفی است؟ مثلاً شما در فرانسه بخواهید آلت‌رناتیو نظام باشید چه کارتان می‌کنند؟ [...]

آجرلو: من روی انتقاد حرفی ندارم...
زیدآبادی: می‌خواهم بگویم نظامی‌ها یک بخشی از نظام‌اند و بعد می‌گویند به ما هیچ انتقادی نشده و در همه چیز هم دخالت می‌کنند و همین که وارد شوی می‌گویند: نه، این در حوزه‌ی نظام است و اگر حرفی بزنی، به‌عنوان تبلیغ علیه نظام ممکن است بگیرند و دخلت را دربیابند چون بارها این اتفاق افتاده است. [...]

فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا...
زیدآبادی: [...] مشکل اساسی سیاست خارجی این است که از طریق یک گفت‌وگو و ملی پیش نمی‌رود، یعنی من که خودم در این حوزه مدعی بودم و نظر داشتم، از همان اول با محدودیت حرف زدن مواجه بودم؛ حتی همین اخیراً هم که ماجرای غزه پیش آمد و من گفتم آقا آن‌جا اینگونه که من می‌بینم خرابی و کشتار زیادی اتفاق خواهد افتاد [...] بعد به همین خاطر احضار کردند و نهادهای امنیتی به من تذکر دادند که خطوط قرمز را داری رد می‌کنی. [...] همچنین فرمودند که ما بعد از امضای برجام کجا را اشتباه کردیم؟ چرا این‌را می‌گویند؟ بالاخره ایران می‌خواهد با نظام جهانی چه کار کند؟ می‌خواهد همکاری کند یا دیگر بشود؟ اگر بگویید ایران دارد خودش را درگیر می‌کند، می‌گویند نه اتفاقاً ما خیلی هم راه آمدم و آن طرف مهاجم است. اگر بگویی دارید همکاری می‌کنید می‌گویند غلط کردی ما کجا داریم تسلیم دشمن می‌شویم. [...] همان دوره، دولت آمریکا با چه انگیزه‌ای برجام را امضا کرد؟ به قصد حل تدریجی همه‌ی مشکلاتی که بین دو کشور وجود دارد، آن‌ها یکسری نگرانی‌هایی داشتند و شما هم یکسری نگرانی‌هایی دارید، قرار است این‌ها با مذاکره حل بشود. بحث امنیتی یک مسئله بود. سیاست منطقه‌ای ایران، بحث اسرائیل، بحث کشورهای حوزگی خلیج فارس و نوع تعامل ایران با سازمان‌های بین‌المللی، همه‌ی موارد اختلاف بود. شما یک اختلاف را در یک حوزه به قیمت افزودن اختلاف در حوزه‌ی دیگر که نمی‌توانید دنبال کنید. [...] ببینید ترامپ هم که دیوانه نبود، درکش این بود که ایران آمده توافق کرده و دارد پول دستش می‌آید و این پول را دارد به حوزه‌هایی منتقل می‌کند که حوزه‌ی منفعت آن‌ها هم هست، طبیعی بود که به هم بزنند. [...]

پس یعنی فرقی ندارد، state نشان با جمهوری اسلامی کنار نمی‌آید.

زیدآبادی: چرا، بستگی دارد جمهوری اسلامی می‌خواهد چه کار کند، چرا او باید کنار بیاید، دوطرفه است. [...] یا شما می‌خواهی از طریق گفت‌وگو و یا پیدا کردن نقاط مشترک مشکل‌تان را حل کنید یا می‌گویید نه، من آنقدر محکم روی مواضع هستم که این حل‌شدنی نیست و باید بروم بچنگم یا باید مقاومت کنم، یا تحریم شوم؛ خوب این عواقب دارد و همین است که از پول نفت محرومان می‌کند. شما یک کشوری در بین ۲۰۲ کشور دیگر هستید. می‌خواهد یک کشور عادی را رفتار به اصطلاح nation state عادی باشید یا نه یک داعیه‌هایی دارید که می‌خواهید آن‌ها در موقعیت خودشان کار را سخت کنند. مشکل اساسی این است. [...] وقتی این گفت‌وگو ملی شکل نمی‌گیرد که شما افکار عمومی را متقاعد کنید که بله الان مثلاً در فلان منطقه اگر باشید، این منافع را دارید و این‌ها را ندارید. این‌جا را می‌آیند چه‌کار می‌کنند؟ به‌صورت یک کلیشه یا تابو درمی‌آورند که تا راجع به آن حرف بزنی، متهمت می‌کنند؛ مثلاً آقای کرباسچی یک حرفی زده بود راجع به همین بحث مدافعان حرم، بلافاصله برایش پرنده ساختند. (غیرت دینی آیا این است که به اسم دفاع از حرم و اینها، این همه دستگاه بی‌حساب و کتاب (بوجود بیاید))

آجرلو: لفظ بدی را به کار برده‌بود...
زیدآبادی: حالا لفظ بدی، مگه همه باید یک لفظ را به کار ببرند، مگر شما راجع به او لفظ خوب به کار می‌برید؟ این بنده خدا که در این کشور این همه زحمت کشید،

